# باب سی و سوّم - در لزوم نصرت اصفيا که بخدمت امرالله قائمند

**فصل اوّل**

در لزوم نصرت اصفيا که بخدمت امرالله قائمند

در کتاب مستطاب اقدس ميفرمايند قوله تعالی:

"انصروا يا قوم اصفيآئی الّذين قاموا علی ذکری بين خلقی و ارتفاع کلمتی فی مملکتی اولئک انجم سمآء عنايتی و مصابيح هدايتی للخلائق اجمعين." (بند ۱۱۷)

و در لوح عبدالرّحيم**[[1]](#footnote-1)** بشرويه ميفرمايند قوله تعالی:

"مقام دوستان حقّ بسيار عظيم است هر نفس که بخدمت آن نفوس فائز شود اگر چه بظاهر بفوز ايمان فائز نشده ولکن لدی الرّحمن اجر عمل او ضايع نخواهد شد. قد احاط فضل ربّک من فی السّموات و الأرضين."

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح معاون التّجار نراقی ميفرمايند قوله جلّ ذکره:

"شخص مبلّغ بايد در نهايت تنزيه و تقديس قيام نمايد تا نفس پاکش در قلوب تأئير کند و جوهر خلوصش در انظار جلوه نمايد. ولی مبلّغين که حرف و صنايعی ندارند و کسب و تجارتی نمينمايند شب و روز به تبليغ مشغولند ياران الهی بايد از آنان ملاحظه نمايند و طوعا در نهايت روحانيّت اعانتی از آنان بکنند."

و در لوح مبارک مورّخه ٢٧ رجب ١٣٣٧ که باعزاز احبّای ايران بواسطه حاجی امين نازل شده ميفرمايند قوله العزيز:

"بايد احبّای مدن و قری در نهايت اتّحاد و اتّفاق و خلوص و انجذاب به نشر نفحات اللّه بپردازند. حضرات مبلّغين بايد در نهايت خلوص و تمکين و تقديس و تنزيه در سير و حرکت باشند و جميع احبّا بايد نهايت رعايت در حقّ نفوس مبارکه صادقه مجری دارند."

و در لوح بشير الهی شيراز نازل قوله تعالی:

"امروز اوّل شخص در اين نبأ عظيم مبلّغ فصيح و بليغ است و مقرّب درگاه ربّ عزيز حضرات مبلّغين نفوس محترمه‌اند و سزاوار خدمت و رعايت در جميع مراتب."

و در لوح ديگر ميفرمايند قوله تعالی:

"ای احبّای الهی، اليوم هر نفس مبلّغی مؤيّد است و مبلّغين صف اوّل مقرّب درگاه کبريا و مستمدّ از ملکوت ابهی. لهذا بايد احبّای الهی نهايت محبّت و احترام و رعايت را در حقّ مبلّغين مجری دارند و در هر جا وارد گردند سرور و حبور حصول يابد."

1. عبدالرّحيم بشرويه قبل از تصديق بامر مبارک جعفر نام داشته و خيلی مبغض و منکر بوده. روزيکه بقصد قتل بهائيان از خانه خود در بشرويه خارج ميشود بيکی از احبّا که کربلائی حاجی بابا نام داشته در کوچه تصادف ميکند و با او بمذاکره پرداخته و پس از چندی تصديق مينمايد و بعدا قصد ساحت اقدس کرده پياده بعکّا ميرود و هر چند ورود احبّا بعکّا ممنوع بوده جمال قدم جلّ جلاله او را احضار ميفرمايند و از ميان صفوف سرباز و مستحفظين ميگذرد و هيچکس او را نمی‌بيند و در لوح او از لسان عظمت باين معنی تصريح شده قوله تعالی: "ان اذکر اذ دخلت المدينة و اخذ باب السّجن جنود الفجّار طمسنا اعينهم و ادخلناک مقرّ العرش بقدرة و سلطان الی ان حضرت لدی الوجه و سمعت نداء ربّک العزيز الوهّاب .... " الخ و لسان عظمت او را عبدالرّحيم ناميده و در لوحش هم نازل بقوله تعالی: "انّا سمّيناک باسمنا الرّحيم." [↑](#footnote-ref-1)